## جایزه‌ای به نام غریب‌پور

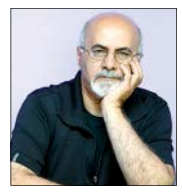

پس از سال‌ها تلاش و هنرنمایی در عرصه نمایش‌های عروسکی، جایزه‌ای به نام بهروز غریب‌پور در انجمن نمایشگران عروسکی به تصویب رسیده که در این هفته رونمایی شده و قرار است به کسانی تعلق بگیرد که در تشکیل و دوام گروه‌های منسجم تئاتر عروسکی همت می‌کنند. این جایزه شامل لوح گرامیداشت و یك تندیس است.

## بحرانی برای خواب‌های رنگی آماده شد

شاید خیلی‌ها ندانیم که محمد بحرانی برای بچه‌ها آواز خوانده و قرار است مجموعه‌ای به نام «خواب‌های رنگی من» با صدای بحرانی و آهنگسازی حمید متبسم شامل ۱۲ ترانه در ۱۲ دستگاه موسیقی ایرانی برای کودکان منتشر شود. فاطمه معتمدآریا به‌عنوان قصه‌گو و اردشیر کامکار مایستر نوازندگان در این مجموعه همکاری دارند.

عکس تزئینی است

# آخر اولی‌های سمج

## نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد با وجود پر بودن سالن‌های سینما، تئاتر و کنسرت عده‌ای قابل توجهی از ایرانی‌ها هیچ‌گاه این تفریحات را تجربه نکرده‌اند

گروه ادبیات و هنر

شما در این باره چطور فکر می‌کنید؟ مثلا وقتی از جوار بیلبوردهای بزرگ بزرگراه‌ها که برگزاری کنسرت‌هایی پرزرق و برق را نوید می‌دهند رد می‌شوید، تکلیفتان با آنها چیست؟ وقتی این جا و آنجای شهر، تصویر بازیگران تئاتر را می‌بینید که روی بنرهایی بزرگ رفته‌اند و می‌گویند از چند روز دیگر روی صحنه فلان تئاتر خواهند رفت چطور؟

شما از آنها هستید که حضور در کنسرت‌ها و تئاترها، جزو برنامه‌های معمول‌تان است؟ یعنی مثلا ماهی یکی دو بار را به کنسرت و تئاتر می‌روید؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است، یك جایی از گزارشی که خواهیم نوشت به شما مربوط است و اگر پاسخ‌تان منفی است و آنقدر منفی است که بگویید ماهی یکی دو بار که هیچ سال به سال هم نمی‌روید، جای دیگری از این گزارش شما را نشانه رفته است. اما به هر حال می‌خواهیم بگوییم گول آن بیلبوردهای عظیم‌الابعاد را نخورید. فریب آن تصاویر غول‌پیکرِ بازیگران تئاتر و خواننده‌ها را نخورید. آنها ظاهرا می‌گویند وضع در تئاتر و موسیقی، دست‌کم در اجراهای زنده صحنه‌ای، وضع مناسبی است. آنها می‌گویند عده زیادی هستند که پول می‌دهند، زیاد هم می‌دهند و به تماشای نمایش‌های گاه چندصدهزارتومانی می‌نشینند یا سالن کنسرت گران فلان خواننده را پر می‌کنند. البته که پر می‌کنند، اما این رونقی که زیاده از حد نشان داده می‌شود، پروپاگاندای فرهنگی نیست؟ می‌گویند وضع تئاتر خیلی خوب است به لحاظ تماشاگر و برای کنسرت‌ها هم عده‌ای مدام سر و دست می‌شکنند. خب لابد می‌شکنند دیگر... اما می‌خواهیم در این گزارش، براساس آمار ارائه‌شده از سوی یك مرکز به شما بگوییم که همه اینها روساخت است، انگار شما در دایره‌ای گیر افتاده‌اید که در آن، همه چیز پیش از آن که خوب باشد، خوب نشان داده می‌شود. دایره‌ای که در آن همه کنسرت می‌روند، همه کتاب می‌خرند [غلغله نمایشگاه کتاب را دیدید؟] و هیچ‌کس، هیچ نمایشی را از دست نمی‌دهد، اما این آمار شوکه‌تان می‌کند و ناگهان پرت می‌شوید به برهوت و از خودتان می‌پرسید چرا در سطح شهر و با همین تبلیغات محیطی، وضع رونق تفریحات فرهنگی خوب به نظر می‌رسد؟ برویم ببینیم ماجرای این آمار از چه قرار است.

### سیزده‌به‌در بود رفیق!

آمار را مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) منتشر کرده و مربوط به اسفندماه است. در پروسه این آمارگیری از ایرانیان پرسیده‌اند با چه فواصلی به کنسرت، سینما و تئاتر می‌روند. این آمار از توجه ایرانیان به تفریحات فرهنگی، طبق انتظار، نتیجه اسفناکی داشته است. جزئیات را خواهیم گفت اما عجالتا این را بگوییم که این آمار اصلا تازه نیست. حتی انتشار آن نیز به این روزها مربوط نیست؛ دوازدهم فروردین بود که ایسپا این آمار را منتشر کرد. چه روز بدی! هیچ‌کس به آن توجه نشان نداد و تا امروز هم این آمار و تحلیل‌هایی که به دست می‌دهد مغفول مانده است. یك روز پیش از شال و کلاه‌کردن ایرانیان برای برپایی سفره سیزده‌به‌در وقت انتشار چنین گزارش مهمی نیست واقعا!

دست کم می‌توانستند انتشار چنین گزارشی را که شاید می‌توانست روی چند نفر تاثیر بگذارد و تلنگری بزنند، چند روزی به تعویق بیندازند. به هر حال ما امروز با این گزارش مواجه شدیم و تعجب هم کردیم که چرا رسانه‌ها این گزارش را طی این یك ماه و اندی ندیده‌اند و به آن نپرداخته‌اند.

### سه‌گانه انحطاط

در این نظرسنجی که البته اعلام نشده، جامعه آماری آن چه کمیت و کیفیتی داشته، در سه حوزه تئاتر، سینما و موسیقی از مردم سه سوال پرسیده‌اند: ابتدا این‌که آخرین بار چه زمانی به سینما رفته‌اند و دو سوال دیگر این‌که هر چند وقت یك بار به تئاتر یا کنسرت می‌روند؟

به پاسخ‌ها به تفکیك نگاهی کنیم.

**سینما:** همین ابتدای کار بگوییم که ۳۰/۲ درصد مردم گفته‌اند تا حالا یك بار هم به سینما نرفته‌اند! این آمار یك بخش تفکیکی هم دارد و آن هم این‌که از بین زنانی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند، ۳۲ درصد گفته‌اند تا حالا یك بار هم سینما نرفته‌اند. ۳۷/۵ درصد هم گفته‌اند از آخرین باری که سینما رفته‌اند بیش از سه سال می‌گذرد. ۱۱/۹ درصد هم گفته‌اند بین یك تا سه سال پیش سینما رفته‌اند.

**تئاتر:** این وحشتناك است؛ واقعا اگر جدی‌اش بگیریم ترسناك است. ۸۸/۶ درصد مردم گفته‌اند تا حالا رنگ تئاتر را به خود ندیده‌اند. ۳/۱ درصد کسانی که تئاتر می‌روند هم گفته‌اند هر چند سال یکبار چنین اتفاقی برایشان می‌افتد.

**کنسرت:** ۸۰/۲ درصد هم گفته‌اند تاکنون در هیچ سالنی که در آن اجرای صحنه‌ای موسیقی برقرار باشد، نبوده‌اند. البته فکرش را نکنید باقی کسانی که گفته‌اند کنسرت می‌روند، وضع خوبی دارند؛ خیر! مثلا ۸/۶ درصد گفته‌اند چند سال یك بار می‌روند کنسرت.

### ما کمینه‌گراهای فریب‌خورده

این آمار مثل همیشه و مثل همه آمارهایی که به توجه ما به فرهنگ و کالای فرهنگی مربوط است، فاجعه‌بار است. اما این بار ماجرا از این قرار است که پس این رونقی که ظاهرا ما در فروش‌های چند ده میلیاردی فیلم‌ها، فروش چند میلیاردی بلیت کنسرت‌ها و فروش میلیاردی برخی تئاترها می‌بینیم، کجای کار است؟ آیا جز این است که ما در دایره‌ای گیر افتاده‌ایم و بیرون از آن را نمی‌بینیم؟ کمینه‌گرا شده‌ایم و خودمان را با این فروش‌های به‌واقع حداقلی و این رونق‌های بسیار نسبی فریب می‌دهیم؟ ما ظاهرا در میدانی قرار گرفته‌ایم که اقلیتی بسیار محدود در آن رفت و آمد می‌کنند؛ میدانی که در آن فرهنگ دوستانی پای کار می‌روند، می‌آیند و چراغی نیمه‌جان را همچنان زنده نگه داشته‌اند. چنانچه دیدیم، بیش از ۸۸ درصد مردم تاکنون تئاتر نرفته‌اند و بیش از ۸۰ درصد نیز تاکنون هیچ اجرای موسیقی را ندیده‌اند؛ بنابراین درصد بسیار پایینی از مردم حداقل یک‌بار کنسرت یا تئاتر رفته‌اند؛ تئاتر و کنسرت درمیان تفریحات فرهنگی ایرانیان از آخر اول‌اند؛ چه می‌شود گفت به همان درصد پایینی که همچنان چراغ این دو هنر را زنده نگه داشته‌اند؛ این سمج‌های دوست‌داشتنی.

### مردم منهای هنر

طی یك نظرسنجی از مردم، عده‌ای از آنها گفته‌اند تاکنون نه به سینما رفته‌اند، نه به کنسرت و نه به تئاتر. آنها چند درصد جامعه آماری این نظرسنجی بوده‌اند؟

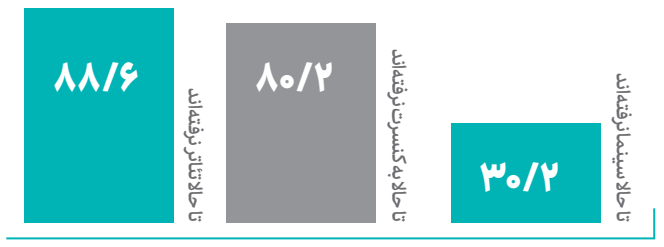


**۸۸/۶** درصد مردم تاکنون تئاتر نرفته‌اند

**۸۰/۲** درصد تاکنون هیچ اجرای موسیقی را ندیده‌اند

[بنابراین درصد بسیار پایینی از مردم اهل تئاتر و کنسرت بوده‌اند؛ ۲هنری که از آخر بین تفریحات فرهنگی اول‌اند]

عکس تزئینی است

عطف

نگاهی به «سینماسوزی در ایران»، نوشته عباس بهارلو

## فرصت‌سوزی نوشتاری!

کیکاووس زیاری

سینما

دنیای هنر و سرگرمی روی پرده سینما آتش‌سوزی‌های زیادی در نقاط مختلف به راه انداخته تا تماشاگرانش را سرگرم کند، اما کمتر فیلمی تا به حال ساخته شده که سینماسوزی را به نمایش بگذارد. اگر چنین اتفاقی روی پرده سینما رخ نداده، عباس بهارلو یا همان غلام حیدری محقق سختکوش ایرانی در کتاب تازه اش «سینماسوزی در ایران» سراغ تاریخچه آتش‌سوزی در سینماهای ایران از بدو پیدایش سینما در ایران تا به امروز رفته است. تحقیق خواندنی و جذاب بهارلو که در ۱۳۹ صفحه از سوی انتشارات قطره روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفته، سیر رویدادها و حوادثی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد که از شهریور ۱۲۸۸ (اولین آتش سوزی سینما در تهران، تماشاخانه ناصریه) تا آتش‌سوزی‌های گسترده سینماها در ماه‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ را تعقیب می‌کند. در این فاصله ۷۰ ساله، سینماهای بسیاری در نقاط مختلف ایران دستخوش حریق و آتش شدند. به روایت روزنامه‌های عمومی کشور، اغلب این آتش‌سوزی‌ها هم به عنوان حوادثی کمابیش ساده و معمولی تلقی می‌شدند. این در حالی است که همین «حوادث ساده»، صاحبان سینماها را به خاك سیاه می‌نشاند. کتاب که مزین به تصاویر مربوط به سوختن سینماها و مدارك و اسناد تاریخی مربوط به گزارش‌های رسمی درباره علل آتش‌سوزی‌هاست، در ۲۴ بخش به صورت مفصل و دقیق به بررسی وضعیت سینماهایی می‌پردازد که طی ۷۰ سال آتش گرفته و از بین رفته‌اند. البته مولف این نکته را توضیح می‌دهد که حوادث سینماسوزی در ایران بیش از مواردی است که در کتاب آمده و مورد بحث قرار گرفته است. به اذعان مولف کمبود منابع و پراکندگی اطلاعات از یك سو و اخبار و گزارش‌های نامطمئن و ضدونقیض، تلاش برای ادعای روایت تمام و کمال را ناممکن می‌سازد. این در حالی است که بهارلو کتاب را کوششی برای ثبت و وارسی منشا یا علل این سینماسوزی‌ها می‌داند.

کتاب پیش‌رو در اصل قرار بوده بخشی از محتوای پژوهشی با عنوان «سالن‌های سینما در تهران» باشد. این پژوهشی گسترده است که نویسنده سال‌هاست به‌دنبال تالیف و انتشار آن است. اما از آنجا که سرهم کردن آنها می‌توانست حجم و وزن این پژوهش را از حد متعادل سنگین‌تر کند، در میانه کار چنین تصمیم گرفته می‌شود که بخش سینماسوزی‌ها از کل پژوهش جدا و به صورت کتابی مستقل روانه بازار کتاب شود. با این‌کار، نویسنده مانع یك فرصت‌سوزی تاریخی و تحقیقاتی می‌شود. حال باید دید آیا احتمال دارد بخش‌های دیگری از این پژوهش سنگین، به صورت کتاب یا کتاب‌های مستقل وارد بازار کتابخوانی شود یا خیر؟ برای علاقه‌مندانی که به‌دنبال یافتن دلایل اصلی سوختن و آتش گرفتن سینماها در ایران هستند، مطالعه این کتاب می‌تواند لذت بخش باشد.

**سینماسوزی در ایران**
نویسنده: عباس بهارلو
شمارگان: ۴۰۰ جلد
قیمت: ۱۶ هزار تومان

آگهی تغییرات شرکت تجرا گستر زاگرس شرکت سهامی‌خاص به شماره ثبت ۱۹۰۹۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۷۵۹۷۴ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ - اعضاء هیات‌مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند: خانم زهره احمدی مزرالله به شماره ملی ۳۳۵۰۱۹۲۱۱۴ و آقای کیومرث النگ به شماره ملی ۳۲۵۰۷۹۲۸۶۱ و آقای هژیر حیدری به شماره ملی ۳۳۵۹۸۵۷۰۸۹ به عنوان اعضای اصلی هیات‌مدیره برای مدت دوسال انتخاب شدند. ۲ - آقای مهران فرهنگیان به شماره ملی ۳۳۵۰۲۱۰۲۵۲ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمدولی نصرتی به شماره ملی ۳۳۵۸۴۰۸۵۳۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری کرمانشاه (۴۵۰۶۷۱)

آگهی تغییرات شرکت ژرف پی جم
با مسئولیت محدود
به شماره ثبت ۴۸۶۱۸۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۵۶۷۰۷۸ به استناد صورتجلسه هیات‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت به آدرس: استان مرکزی، شهرستان اراک، بخش مرکزی، شهر اراک، بهاران، کوچه بهاران ۶، کوچه بهاران ۱۸، پلاک ۴، طبقه همکف، ک.پ ۳۸۱۸۸۵۸۵۴۴ انتقال یافت.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۵۴۴۷۹)

جام جم
با جام جم در سراسر ایران
سازمان آگهی‌های روزنامه جام جم
شماره تلفن‌های پذیرش ۸۸۱۷۰۹۲۶ - ۸۸۵۰۶۲۴۷ - ۲۳۰۰۴۰۳۲

# دلبری هنر ایرانی -اسلامی در ساتبیز

حراجی ساتبیز لندن با عنوان «هنرهای دنیای اسلام شامل فرش و قالیچه» با فروشی بالغ بر ۱۳ میلیون دلار به کار خود پایان داد. ایسنا این خبر را منتشر کرد و نوشت که در این حراجی در مجموع ۳۱۱ اثر به فروش رفت.

یك نقاشی پرتره از سلیمان یکم (دهمین سلطان امپراتوری عثمانی) که قیمت اولیه ۳۲۰ هزار دلار تا ۴۵۰ هزار دلار برای آن تخمین زده شده بود در نهایت با قیمتی بالغ بر ۶/۹ میلیون دلار به فروش رفت تا رکورددار گران‌ترین اثر فروخته شده در این حراجی باشد.

### گران‌ترین اثر ایرانی

در میان آثار ایرانی نیز، یك تخته فرش ابریشم با قدمت نزدیك به ۲۳۰ سال که به فرمان فتحعلی‌شاه قاجار بافته شده است با قیمت نزدیك به ۱۹۶ هزار دلار (حدود ۲/۸ میلیارد تومان) به فروش رفت تا در میان کل آثار فروخته شده در این حراجی در رتبه چهارم گران‌ترین‌ها قرار گیرد.

در قسمت بالایی این فرش که دارای تاریخ است آورده شده: «حسب‌الامر نواب مستطاب اشرف والا نایب‌السلطنه (اثر نوروز ساروقی در سال ۱۲۰۵ قمری- ۱۱۷۰ شمسی)

همچنین یك قرآن بزرگ تذهیب‌کاری شده مربوط به دوره صفوی (نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی) در میان چندین نسخه قرآن با منشأ ایرانی-اسلامی به بالاترین قیمت ۱۲۲ هزار دلار به فروش رفت.

یك قرآن قاجاری درون یك جعبه چوبی لاك زده شده (حدود سال ۱۲۲۱ شمسی) نیز در نهایت به قیمت ۸۱/۶ هزار دلار فروخته شد.

یك کاشی سفالی پلی کروم قاجاری قرن ۱۹ میلادی (۱۷/۹ هزار دلار)، نقاشی پرتره از خسرو پرویز مربوط به سال ۱۱۸۱ شمسی در دوره قاجار (۲۴/۵ هزار دلار) در کنار چندین نسخه قرآن قدیمی و فرش اصفهان، بیجار و... از جمله دیگر آثار ایرانی فروخته‌شده در این حراجی هستند.